

ایران

صاحب‌انتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

اذان ظهر ۱۲/۱۲ | اذان مغرب ۱۷/۲۹ | نیمه شب شرعی ۲۲/۲۷ | اذان صبح فردا ۵/۴۶ | طلوع آفتاب فردا ۷/۱۴

امام رضا علیه السلام:

هر کس اندوه مؤمنی را بزدايد، خداوند در روز قيامت ، غم از دلش می‌زداید.

سخن روز

الکافی، ج ۲، ص ۲۰۰



واکنش به درگذشت حمید لیکنده کارگردان سینما و تئاتر و تلویزیون، **مؤلفه** تکرار **شونده در بیست‌های اهالی فرهنگ در فضای مجازی** بود. **حمید لیکنده** که با **سریال‌های «در پناه تو»** و **«در قلب من»** برای **مخاطبان عام تلویزیون معروف** شد ، عصر شنبه ۱۸ دی دار فانی را وداع گفت. انتشار خبر درگذشت او در صبح روز یکشنبه، با پیام تسلیت **اهالی فرهنگ و هنر در فضای مجازی** همراه بود.

■ **چهره ها**

ناهد طباطبایی از نویسندگان شناخته شده درواکنش به این خبر نوشت: «دوست عزیزم حمید لیکنده هم رفت. بر رنگ‌ترین تصویر از او در ذهن من، لیکنده بیست ساله است که در تالار شهرداری اهواز، در چله تابستان، پوستین پوشیده تا برای بازی در «مترس‌ها در شب» به آن عادت کند. من از او می‌پرسم چطور تحمل می‌کند او او لیکند می‌زند. یادش بخیر. چه زود است برای این حرف‌ها، افسوس !»

یکتنا ناصرعکسی از خودش و زنده یاد لیکنده را به اشتراک گذاشت و با این عبارات خاطرات این فیلمساز را مرور کرد: «در این عکس شما داشتید برای یکی از صحنه‌ها یک لالایی قدیمی را که شاید خودتان هم با آن آرامش می‌گرفتید با من تمرین می‌کردید هنوز که هنوز است خاطرم هست که برای لحظه به لحظه هر پلانی چقدر با انرژی و با انگیزه تلاش کردید. ای کاش می‌توانستم آن گونه که شما دوست داشتید این لالایی را زمزمه کنم تا شاید اندکی آرامش را به پاس تمامی آموزه‌هایتان که همواره آویزه گوشم است به شما هدیه کنم.»

سام درخشانی دیگر بازیگر این سریال در این باره نوشت: «سال ۷۹ بود. بیست و چهار پنج سالم بود و عاشق و شیفته بازیگری. در ابتدای مسیر بودم و شما به من اعتماد کردی و نقش سختی رو به من سپردی که هنوز بعد از ۲۰ سال خیلی‌ها تو ذهن شون هست و اغلب صحنه کبریت زدن عصبی و روانی منو بهم یاد آوری می‌کنند. شما خیلی جسور بودی که نقش یک شی‌زورقم، سرطان بیماری‌های روانی رو به من دادی، به جونم کم تجربه و تازه‌کار. استاد عزیزم، امیدوارم روزی بتوانم رو سفیدت کنم. شما خیلی بهم یاد دادی. خیلی بزرگ بودی و محترم. آرزو می‌کنم روزی بتوانم فرصتی که شما در اختیار من قرار دادی رو به جوونای عاشق دیگه‌ای پیشکش کنم.»

ابراهیم حقیقی با انتشار پوستر تئاتر عادل‌ها از گروه تئاتر ۵۷ خاطره اجرای این تئاتر را زنده کرد. لیکنده این نمایش را به نویسندگی کامو و با ترجمه محمدعلی سپانلو در تالار مولوی کارگردانی کرد.

کاوه سجادی از مرور خاطرات جنگ و پناه گرفتن در خانه حمید لیکنده نوشت: «دیر شد خواستم فیلمم را ببوارم ببینی دیر شد. کودکی من به جوانی شما گره خورده است. خانه شما ۳۵ متر بود شما یعنی همسرت و خواهرت. ما آدمیم به خانه شما ما یعنی من و نوید و ریحانه و بابا و مامان. شما همش لیکند داشتین و خم به ابرو نیاوردین. ما خانه‌ای در تهران نداشتیم! جنگ لعنتی نگذاشت در اهواز بمانیم. آدمیم تهران؛ شما مامن ما بودی. ای کاش زودتر می‌شد فیلمم را به شما نشان بدهم عمو حمید.»

■ **دیگه چه خیر**

نمایش **«بانوی محبوب من»** روزهای پایانی اجرا را پشت سر می‌گذارد. دوره دوم این اجرا که از روز یکشنبه نوزدهم دی ماه در سالن اصلی تئاتر شهر آغاز شد تا یک بهمن ادامه دارد. گلاب آدینه کارگردان این نمایش در صفحه اینستاگرامش از علاقه‌مندان این نمایش دعوت کرده تا زودتر بلیت تماشای این نمایش را رزرو کنند.

بازخوانی قطعه «می‌گریزی» از لقمان ادهمی بازگشت اشکان خطیبی به عرصه موسیقی است. امیر عطیعی قطعه «می‌گریزی» را تنظیم کرده و اشکان خطیبی با همخوانی غزل سهرابی، این قطعه را اجرا کرده است. این ویدیو در هفته گذشته جزو پربیننده‌ها بود و به اصطلاح وایرال شد. خطیبی در صفحه اینستاگرامش از مخاطبان خواسته نقطه نظرات خودشان را در درباره این کار بنویسند.

انتشارات شهر قلم تازه‌ترین اثرش را معرفی کرده است. این کتاب که در توضیح روی جلد آن این عنوان دیده می‌شود: «فکرهای بزرگ برای فیلسوف‌های کوچک» برای آشنایی کوچولوها با مفهوم فلسفه و افکار فیلسوف‌هاست، کودکانی که تازه می‌خواهند اندیشیدن را بیاموزند. کتاب «حقیقت با کمک سقراط» نوشته مورین مک کوثری و دوئین آرمینج توسط وحید میهمان نواز ترجمه شده است.

”

مقاصد قاتلان سردار سلیمانی را با هنر به مردم نشان بدهیم

سید جواد هاشمی**:** با وجود گذشت دو سال از شهادت حاج قاسم هنوز در مرکز خورشید شهادت سردار دل‌ها هستیم، این رسالتی است که بر دوش نسل‌های جوان امروز قرار دارد و حرکت آنها باید در مسیر خلق آثار هنری بویژه تئاتر و سینمایی با اتکا به مکتب سلیمانی باشد. هنوز برای رسیدن به آن پختگی برای ساخت آثار تئاتری و سینمایی هم شان و تراز زیست و شهادت سردار سیهید شهید حاج قاسم سلیمانی فاصله زیادی داریم، هر چه بیشتر پیش می‌رویم اطلاعات جدیدی درباره شخصیت سردار سلیمانی، آن اتفاق بزرگ تاریخی در مسیر مقاومت ایشان و شهادت‌شان به ما می‌رسد که باید دستمایه تولید آثار فاخر و جریان‌ساز در سال‌ها و نسل‌های آتی قرار گیرد. تکلیف و رسالت تمام ارگان نظام فرهنگ و هنر کشور باید بر آشکار ساختن مقاصد قاتلان سردار سلیمانی به هر نحوی که شده استوار باشد. آنها به کمک هنرمندان و تولیدات هنری چه در قالب نمایش و چه در قالب‌های دیگر باید نشان دهند اصل ماجرا چیست. دشمنان تفکر مقاومت در برابر استعمار و سلطه‌جویی به سبب محقق نشدن اهداف‌شان از ترور و شهادت حاج قاسم، حالا در ناامیدی به سر می‌برند.

بخشی از گفته‌های این بازیگر و کارگردان پیشکسوت تئاتر، سینما و تلویزیون در ایرنا

نمایش: <http://www.irannews.com>

به بهانه درگذشت حمید لیکنده کارگردان فقید ایرانی

شیفته تئاتر و یادگار سمندریان

حمید لیکنده ۲۵ تیر ۱۳۲۰ در اهواز به دنیا آمد، در طول فعالیت حرفه‌ای اش کارگردانی، فیلمنامه‌نویسی و تهیه‌کنندگی و هنرپیشگی در سینما و تئاتر را ثبت کرد و البته همکاری طولانی مدتی هم با حمید سمندریان و هما روستا داشت و بعد از درگذشت سمندریان مدیریت آموزشگاه او را هم به‌عهده گرفت. لیکنده اگر چه با سریال‌های پرمخاطب تلویزیونی اش شناخته می‌شد اما حضور مؤثر او در تئاتر حضوری بود تأثیرگذار که بسیاری از تئاتری‌ها از آن به نیکی یاد می‌کنند. حمید لیکنده سرانجام ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۰ از دنیا رفت.

بسیاری مرحوم لیکنده را با آثار تلویزیونی اش مثل دو سریال بسیار پرمخاطب و موفقش یعنی «در پناه تو» و «در قلب من» می‌شناسند، اما وقتی با اهالی این هنر او را از خود می‌دانند و از سابقه درخشان تئاتری او باخبرند. او به دور از هرگونه حاشیه ، با اعتماد و آرامشی مثال زدنی کار خودش را می‌کرد و در نهایت هم اثربخشی خودش را داشت و می‌توانیم بگوییم هنرمندی بود با دانش و مؤثر در زمان خودش. خبر رفتن او در این روزها، واقعاً برای من و دیگر دوستان دور و نزدیک هنرمند خیر ناگواری بود و تصویریایی از خاطرات همکاری با او در ذهنم مرور شد. همان‌طور که گفتم، لیکنده چهره بسیار شاخصی در تئاتر این مملکت به حساب می‌آمد و از نزدیکان و همکاران استاد سمندریان بود که حاصل این همکاری آثار درخشان تئاتری بودند که تا همیشه در ذهن‌ها خواهند ماند. همکاری من با او هم در دو مجموعه تلویزیونی برای من یادآور انسانیت و توانایی و منش درست

افسون شهر زاد

قصه‌ها و افسانه‌ها هم سفر می‌کنند و از شهری به شهر می‌روند و از دیاری به دیار دیگر می‌روند و در هر سرزمین با آداب و رسوم و فرهنگ مردم آن یکی می‌شوند. به همین خاطر است که همیشه زنده و جاری می‌مانند و تنها شکل امروزی‌تری به خود می‌گیرند. «هزار

و یک‌شب»، مجموعه‌ای از همین قصه‌هاست. داستان‌هایی که هر شب برای «شهریار» گفته می‌شود. راوی این قصه‌ها، «شهرزاد» دختر وزیر است که از نفرت شهریار به زان خیردارومی‌داند که پادشاه هر شب با یکی از زنان سرزمینش ازدواج می‌کند تا او را از بین ببرد. حالا نوبت به شهرزاد رسیده و او بر آن شده تا به خاطر نجات خودش و زنان دیگر به قصه پناه ببرد و هر شب، یک داستان شنیدنی و جذاب برای پادشاه بگوید و با رسیدن به نقطه نصح، داستان را رها و ادامه آن را به شب دیگری موکول کند.شهرزاد ، «هزار و یک شب» برای شهریار قصه می‌گوید و این‌گونه پادشاه را درمان می‌کند و زنان سرزمینش را نجات می‌دهد. برخی معتقدند ریشه داستان‌های هزار و یک شب که ماجراهای آن می‌گذرد ایرانی است و «هزار افسان» گرفته شده. بعضی هم بر این باورند که اصل این کتاب در هند نوشته شده و پیش از حمله اسکندر به پهلوی درجست شده؛ البته از این ترجمه هیچ نسخه‌ای در دست نیست و آنچه امروز در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته ترجمه عبداللطیف تسوچی از عربی به فارسی است. طبیعی است که همه «هزار و یک‌شب» را نمی‌توان برای کودکان و حتی نوجوانان بازنویسی کرد اما بخش‌هایی از آن خواندنی و جذاب است و می‌تواند بازنویسی یا بازآفرینی شود تا بچه‌ها را با بخش مهمی از ادبیات کلاسیک مشرق زمین آشنا کند چرا که این مجموعه بر نویسندگان بزرگی چون مارکز و بورخس هم اثر گذاشته است. تاکنون چند نویسنده و ناشر کودک و نوجوان، بخشی از قصه‌های هزار و یک‌شب را بازنویسی و منتشر کرده‌اند. «حکایت مرد مرده» یکی از این بازنویسی‌هاست. داریوش عابدی سه قصه دخترک و سه گدای کور، گرز و سلمانی و حکایت مرد مرده» که نام کتاب هم از آن گرفته شده، قصه‌هایی هستند که عابدی برای نوجوانان بازنویسی کرده است.

سید میثم موسوی تصویرگر این قصه‌ها و انتشارات مدرسه ناشر این مجموعه است. شما هم می‌توانید این قصه‌ها را که ساده و روان نوشته شده‌اند برای فرزندان خود یا با آنها بخوانید تا آنها با اهمیت قصه و قصه‌گویی آشنا شوند. از سوی دیگر بخش مهمی از ادبیات مشرق زمین را بشناسند. اصلا مگر می‌شود هزار و یک شب را نخواند. کتابی که تا این اندازه به ذهن و قلم نویسندگان بزرگ جهان اثر گذاشته است!

شخصیتی اوست که در قالب یک هنرمند جدی و متعهد به کارش معنا می‌شد و خودش هم چنان آرام و اخلاق‌مدار بود که این خصلت‌ها به کار هم تزریق و خروجی به اثری بدل می‌شد که در عاطفه و قلب من جا باز کند. تربیت و خوی تئاتری که لیکنده داشت باعث شده بود در همان حوزه رشد کند، از او فردی منضبط و متمرکز ساخته بود که هیچ‌کارش غیرحساب شده نبود و از جزئی‌ترین تا کلی‌ترین کارها را می‌دانست چطور باید پیش ببرد و برای همه آنها برنامه داشت. چنین آدمی را کمتر می‌شود در بسیاری از حوزه‌های هنری سراغ داشت. آدمی که به عنوان یک کارگردان ضمن همه این محاسن حرفه‌ای، حواسش به تمام عوامل کارش بود و نه تنها دیر که حتی خیلی زودتر از موعد، حق و حقوق بچه‌هایی را که با او کار می‌کردند پرداخت می‌کرد تا خستگی از شان‌ش به در رود و حق کسی بر گردنش نباشد.

کار با او، واقعاً آرامش‌بخش بود و چه در تئاتر، چه در تلویزیون آدمی بود که به معنای واقعی به وظایف حرفه‌ای و انسانی اش عمل می‌کرد و هر وقت با حرف زد با او می‌نخستیم از عشق بی‌پایانش به تئاتر. حمید سمندریان و هما روستا می‌گفت و همان‌طور که احتمالاً بسیاری می‌دانند بعد از درگذشت استاد سمندریان هم مدیریت آموزشگاه او را به‌عهده گرفت و باعث تبلور و معرفی چهره‌های جوان بسیاری به تئاتر این سرزمین شد. به‌هر صورت، حمید لیکنده هنرمندی بی‌حاشیه بود که به دلایل فراوانی که جای پرداختن به آنها اینجا نیست، خیلی خیلی کم کار کرد و می‌توانست با آن همه ذوق و توان و البته دانشی که از تئاتر و تلویزیون داشت، آثار قابل توجه دیگری خلق کند که متأسفانه این اتفاق نیفتاد و حالا فقدان اوست که باقی مانده و جایی که به این راحتی‌ها بر نخواهد شد.

آن عارف آشفته حال

شاد باش ای عشق خوش سودای ما ای طیب‌جمله‌علت‌های ما کتاب «درمانگری مولانا» با عنوان فرعی «چگونه یک شاعر عارف، آشفته‌حالی‌های زندگی مدرن مرا درمان کرد؟» از مولودی معزی نویسنده ایرانی- امریکایی است که به تازگی باسر فراشاهی نژاد آن را به فارسی ترجمه کرده است؛ روانشناسان و ادیبان بسیاری در سراسرجهان خواندن این کتاب را توصیه کرده‌اند. برای بشر مستأصل و درمانده امروز که با انواع و اقسام مشکلات و دغدغه‌ها دست به گریبان است و برای رهایی از رنج، دست‌های ما ساید تا دری بگشاید، حدیث مولانای جان‌قطعا راهگشاست؛ بویژه اینکه سر دلبرانه‌اش در حدیث دیگران و در قالب تمثیل، از زبان پدری اهل دل و فرهیخته روایت شود و به سمع روان دختر بی‌قرار و پریشان‌ش کارگر شود. ساختار کتاب قطعاً زمان نیست، بیان صرف خاطرات هم نیست و به شیوه کتاب‌های انگیزشی هم نوشته نشده است. راوی اول شخص که خود مولودی است، ماجرای پر فراز و نشیب زندگی‌اش را با محوریت توسل به کنج معنای منطوی و کاربست آن در بهبود احوالش، با خوانندگان به اشتراک می‌گذارد. کتاب ده فصل دارد و هر فصل درباره تشخیص و درمان عارضه‌ای است. بیماری‌هایی چون: زیادخواهی، خواش نفس، انزوا، شتابزدگی، افسردگی، حواس‌پرتی، اضطراب، خشم، ترس، ناامیدی و غرور. نسخه درمان را هم بازگشتن به اصل خویش، دوری از تقلید، قناعت، بساطت، عروج، صبر، عشق، تواضع، بیداری و اصالت تجویز کرده است. نویسنده اقرار می‌کند که خود همه دردهای فوق را دارد و علاوه بر آن «یک ایرانی امریکایی مسلمان است که در کارولینای شمالی لعنتی زندگی می‌کند؛ یک لوزالمعده نصفه نیمه دارد؛ یکسه صغرا ندارد؛ اختلال دوقطبی دارد؛ کلسترول، میگرن، حواس‌پریشی و پوست سبزه دارد» و در سراسر کتاب به تناسب حال در معرفی ابعاد ناشناخته وجودی‌اش، عقاید و گرایش‌های اجتماعی- مذهبی و حتی سیاسی خود را بی‌محاپا با خوانندگان به اشتراک می‌گذارد. ترس‌ها، نفرت‌ها، بی‌حوصلگی‌ها، ضعف‌ها و ناتوانی‌های برده مطرح می‌شوند. خوانندگانی که احتمالاً همگی در لابه‌لای تاکامی‌ها و تلاش‌هایش، زندگی خودشان را می‌بینند، با مرور روزمرگی‌ها و حوادث پیش یا افتاده هم‌ذات‌پنداری بیشتری با او خواهند داشت. مخاطبانی که سریال پرماجری «دکستر» یا سریال محبوب «شهرزاد» را دیده‌اند، مهاجرانی که در دیازپورای فرهنگی «تهرانجلس» در هروله سنت و مدرنیته سرگردانند، شهروندانی که از سیاست‌های احمقانه ترامپ به ستوه آمده‌اند؛ اینک همگی در صفحات این کتاب دختر مضممی را می‌بینند که همه را آزموده و از مولوی خوش‌تر نیافته است. پدرش احمد معزی که جراح زبردست ایرانی و از طایفه دردگشان است، دست‌های مردد دخترک بیمارش را می‌گیرد و او را با ریشه‌ها آشتی می‌دهد. پیوند این پدر- دختری که در اینجا تداعی رابطه مراد و مرید و انعکاس برخورد شمس و مولانا در عالم امکان است به زیبایی و در کمال سادگی توصیف می‌شود. این کتاب در جامعه‌انگلیسی زبانی که مولانا را از طریق ترجمه‌ها بخصوص ترجمه ارزشمند «کلمن بارکس» می‌شناسند، سیل خوانندگان عظیمی را به خود دعوت کرده و مترجم فارسی آن نیز با احاطه به شعر و ادب ایران از عمده این مهم بخوبی برآمده است و خوانندش در راستای شناخت مولوی و آشتی جوانان امروز با تعالیم بزرگان شعر و ادب بسیار راهگشاست.

- **درمانگری مولانا**
- **مولودی معزی**
- **مترجم: باسر فراشاهی نژاد**
- **نشر طرح نقد**

عکس نوشت

همزمان با اتمام ساخت سریال «عاشورا» به کارگردانی هادی حجازی‌فرو تهیه‌کنندگی ابوالفضل صفری، تصاویری از این سریال منتشر شد. نسخه سینمایی این سریال با عنوان «موقعیت مهدی» در جشنواره فیلم فجر روی پرده می‌رود. سریال **عاشورا (ل ۳۱)» که به زندگی برادران باکری می‌پردازد در شهرک دفاع مقدس تصویربرداری شده است. **ایستا****

...

توی بهشت هم اگر بی‌رضایت خودت بروی برایت بدل می‌شود به جهنم. چرا روزگار را به خودت سخت می‌کنی... اگر دل ببندی، هر خراباتی یک بهشت است.

نقرین زمین، جلال آل احمد، نشر وزرا

بایدها و نبایدهای فضای مجازی (۳)

مرآب باشید کودکان مرز خیال و واقعیت را گم نکنند!

با افتخار از هوش فرزند ۵ ساله‌اش می‌گوید که هر چیزی را که بخواهد درباره‌اش بیشتر بداند در مرورگر گوگل ویسی می‌گذارد و جست‌وجو می‌کند؛ گوشی تلفن همراه را عموها برایش خریده‌اند. اینترنت را هم سر وقت برایش تمدید می‌کنند. حالا پسرک ۶ ساله کافی است بخواهد درباره «بازی لی‌لی» در گوگل جست‌وجو کند یا هر کلمه‌ای که به گوشش نا آشنا برسد. رفتار این خانواده که پشت نقاب «کودک باهوش» و «بچه‌های نسل دیجیتال» و «آزادی و استقلال دادن به کودک» پنهان است، واقعاً چه معنایی برای آن کودک دارد و مهمتر از همه این رفتار والدین - مانند هر رفتار دیگری - چه اثراتی در روند رشد و تربیت این کودک و آینده شخصیتی او خواهد داشت؟

این روزها در میان اقشار متوسط به بالای جامعه اینکه در دسترس کودکان گوشی هوشمند شخصی یا تبلت شخصی ببینم چیز عجیبی نیست. خصوصاً در روزگار آموزش آنلاین حتی می‌توان گفت بچه‌ها این ابزار را جزئی از زندگی خود پذیرفته‌اند. حالا از کودکان پیش دبستانی به بعد انواع آموزش‌ها از آموزش ورزش تا زبان انگلیسی و نقاشی در این فضا و با استفاده از اپلیکیشن‌های مخصوص قابل دسترسی است. مدارس هم که هنوز در روزگار آموزش مجازی جلو می‌روند. تماس تصویری از طریق واتسآپ یا پدر و مادری که سر کار هستند شاید به نظر والدین برسد که حتی کمک کند کودکان کمتر اضطراب جدایی را تجربه کنند؛ البته که این گزاره نیاز به تحقیق دارد که آیا ممکن است این خود روی دیگری داشته باشد و چنین تماس‌هایی اضطراب کودکان را بالا ببرد؟ واقعیت این است که توجه به دوره‌های رشدی کودکان در شناخت پاسخ‌های هیجانی آنها به چنین داده‌هایی در دنیای تکنولوژی بسیار اهمیت دارد. آیا کودک بیشتر از نظر روانی در امان نخواهد بود که بپذیرد برای مدتی مادر از او دور است و بازنمایی ذهنی از مادر در پرورش دهد که به رشد شناختی او کمک می‌کند و آیا این تماس‌های تصویری اگر در یک روز صورت نگیرد خود به اضطراب کودک دامن نمی‌زند؟ اینها پاسخ‌های سر راستی ندارد اما مشخص است که والدین امروز با توجه به گسترش روزافزون تکنولوژی در زندگی باید به ویژگی‌های شناختی تغییر یافته‌ی کودکان آگاهی پیدا کنند و بیشت نقاب‌هایی که عموماً همین فضای مجازی و چشم و هم چشمی‌های آنجا ایجاد می‌کند، پنهان نشوند!

ذکر این واقعیت ضروری است که کودکان امروز هرگز به لحاظ شناختی، رشدی و فرهنگی با کودکان دیروز قابل قیاس نیستند اما مراحل رشد کودک، و ترتیب دسترسی او به سازه‌های شناختی تغییر کرده است. به معنای دیگر کودکی که هنوز به مرحله شناخت انتزاعی نرسیده است در دنیای مجازی براحتی کم خواهد شد؛ کودک از همان سنین کودکی در حال ساختن هویت خود است. او تعاملات اجتماعی را آغاز می‌کند. صورت‌های زیست انسانی را برای بقا در محیط کشف می‌کند و بیشت از هر کس والدین برای او الگو هستند. پس اصطکاک کودک با دنیای مدرن و الزاماتش اجتناب‌ناپذیر است. اما این به والدین بستگی دارد که اجازه دهند فرزندشان چقدر از هویت و نیازهای خود و همچنین راه‌های شناختش را از مسیر واقعیت طی کند یا از راه مجازی؛ نمی‌توان انکار کرد فضای مجازی با همه کارآراندازی‌هایش برای انسان معاصر تهدیدهایی هم دارد. بی‌سافتی و دروغ ، عدم رعایت حقوق دیگران و هویت‌های جعلی از آسیب‌های این فضاست که حتی ممکن است به اختلالات جدی انسان هاینجامد.

حتی فضای مجازی این روزها تعریف کودکان کار را نیز کمی شیک کرده است؛ اینفلونسرها کودکی که در اینستاگرام بازیچه دست والدین خود شده‌اند نمونه بارز سوء رفتار با کودکان است و آسیب‌هایی که این کودکان در امروز و آینده می‌خورند مدت‌هاست هشدار بر زبان کارشناسان است. یک روی دیگر دنیای مجازی و کودکان امروز که باز هم به نظر می‌رسد والدین نسبت به آن توجه کافی ندارند بازی‌های آنلاین است. والدین خسته از کار روزانه یا سر و کله زدن با چند فرزند یا خسته از هر چالش محیطی شاید دعاگوی بازی‌های آنلاین و انیمیشن‌ها باشند. خصوصاً اینکه روزگار کرونا جمع‌های کودکانه را هم محدود کرده است و کودکانی بهانه‌گیرتر در خانه‌ها ساکن هستند. اما باز هم مشکل همانی است که در بالا ذکر شد: جایگزینی تخیلات و مجاز به جای واقعیت در سنین پایین می‌تواند آسیب‌های فراوانی داشته باشد. برخی از این بازی‌ها زمینه‌ساز افزایش خشونت در کودکان هستند و برخی به‌دلیل عدم تناسب فرهنگی باعث می‌شوند سوالاتی برای کودک پیش بیاورند که در فضای واقعی زندگی با آن رو به رو نمی‌شوند و در واقع نیز مسأله آنها نیست و نخواهد بود. تحصیل سبکی از زندگی، سبکی از اندیشیدن، سبکی از حل کردن مسائل و سبکی از ارتباط‌ها نیز عموماً در این بازی‌ها و انیمیشن‌هایی که به مدد تکنولوژی زمان زیادی تا رسیدن به هر مقصدی طی نمی‌کنند را دارد. گرچه اگر والدین با مرور هر انیمیشن و بازی‌ای که در دسترس کودکان است یا از طریق تحقیق می‌توانند در همه اینها نیازمند والدینی آگاه است.

کودکی که زیاد غرق در مجاز باشد به مرور با مسائل واقعی برخوردی انتزاعی خواهد داشت و همین تعارض اصلی او خواهد بود.

